

یوم النکبه یا روز نکبت، اصطلاحی است که اشاره به جنگ اسرائیل و فلسطین در سال ۱۳۲۷ دارد که در نتیجه آن، هزاران فلسطینی به اجبار ترک وطن کردند و آواره سرزمین‌های دیگر شدند. به عبارت دیگر، یوالنکبه اشاره به روز محسوسی دارد که در آن روز، رژیم جنجلی صهیونیستی تشکیل شد. واگذاری آن به مهاجران صهیونیست، این گونه بود که در آن زمان، سازمان ملل با تصویب این قطعنامه سرزمین‌های اشغالی بـه همراه داشته، به کار می‌برد.

ادنا نظرف فلسطینی‌ها این روز ی یادآور روزهای تلخ یعنی اشغال سرزمین‌ششان و مصادره اراضی و ابلد موج آوارگی و اخراج بیش از ۸۰۰ هزار فلسطینی از خانه و کاشانه‌شان است.

بعد از گذشت ۶۷ سال از تشکیل این غده سرطانی و اشغال سرزمین‌های اشغالی، اکنون شمار آوارگان فلسطینی به ۵ میلیون نفر رسیده که همچنان بر تعداد آن افزوده می‌شود. بیشتر این آوارگان در اردوگاه‌هایی در کرانه باختری، نوار غزه و دیگر کشورهای همسایه عربی زندگی می‌کنند.

۶۷ سال از صدور قطعنامه ننگین تقسیم فلسطین گذشت و صفحه‌ای دیگر از قطعنامه‌های تبعیض‌آمیز سازمان ملل دوساره ورق خورد و خطرات تلخ یک ملت آواره و ستم دیده بار دیگر ریشه زده شد و در کنار آن تجاوزات، حملات، بازداشت‌ها و سرکوب روزانه این ملت بر تلخی این خاطرات می‌افزاید.

در واقع تنها نمی‌توان صهیونیست‌ها را عامل توطئه اشغال فلسطین و آوارگی ملت فلسطین دانست، بلکه باید این حقیقت را هم در نظر گرفت که اشغال فلسطین نتیجه پروسه‌ای بود که در سال ۱۹۱۹ میلادی در شهر «بال» سوئیس شروع شد و طی مراحل باقی‌مانده انگلستان بر فلسطین و صدور اعلامیه شوم بالفور در سال ۱۹۱۷ میلادی مصادف با ظهور صهیونیست‌ها در فلسطین و واگذاری فلسطین به صهیونیست‌ها و واگذاری این سرزمین به آن‌ها قرار گرفت تا این که سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۹ نوامبر سال ۱۹۴۷ میلادی درذیک به یک سال قبل از وقوع فاجعه دردناک اشغال فلسطین صهیونیست‌ها باز می‌گشت. آن‌ها معتقد بودند که پس از تصویب این کشور از میان صهیونیست‌ها و اعراب تقسیم کرد. ۲۲ کشور از جمله آمریکا و انگلیس و کشورهای اروپایی به این قطعنامه رای مثبت دادند و ۱۲ کشور به آن رای مخالف و ۱۰ کشور

هم رای ممتنع دادند.

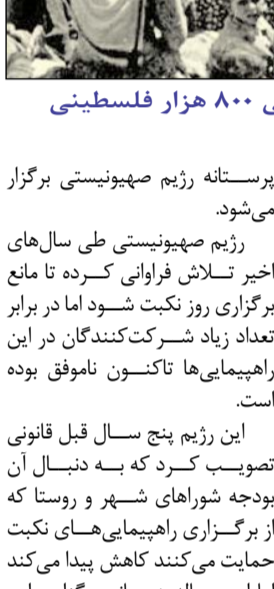
این زمان بود که توطئه «اشغال قلب جهان اسلام» توسط مجامع بین‌المللی شکل آکنازتری به خود گرفت و قطعنامه ۱۸۱ در سازمان ملل مهر تاییدی شد بر وجود یک توطئه جهانی برای اشغال فلسطین و جدا کردن این منطقه مهم و حیاتی از بپگره کشورهای اسلامی و عربی و واگذاری آن به مهاجران صهیونیست. این گونه بود که در آن زمان، سازمان ملل با تصویب این قطعنامه

«فاجعه» ۶۷ سال از روز



در این میان، کوتاهی کشورهای

۶۷ سال از روز «فاجعه» گذشت



*** روز نکبت یادآور مصادره سرزمین فلسطین و آوارگی ۸۰۰ هزار فلسطینی از خانه و کاشانه خود است.**

عربی و اسلامی بر کسی پوشیده نیست و همه واقفند که اگر سستی و ضعف و چند دستگی کشورهای عربی نبود، ما اکنون شاهد دردناک‌ترین واقعه تاریخ یعنی مسئله فلسطین نبودیم و آوارگی این ملت مظلوم را به نظاره نمی‌نشتم.

مردم فلسطین شصت و هفتمین سالروز اشغال کشورشان توسط رژیم صهیونیستی را با برگزاری تظاهرات و تجمع‌هایی تحت عنوان «روز استقلال آن‌ها روز نکبت عسوان» برگزار می‌کنند کاهش پیدا می‌کند

در این روز ۱۵ مه (۲۵ اردیبهشت) راهپیمایی‌هایی در مناطق مختلف فلسطین در اعلام مخالفت آنها با سیاست‌های نژاد

دریچه‌ای به جهان

khareji@kayhan.ir



* تلاش‌های حاکمان تل آویو برای جلوگیری از برگزاری تظاهرات مردم فلسطین در روز نکبت تاکنون ناموفق بوده است.

سعسع، الجلیل، قطار قاهره، حیفا، دسر پاسین و ناصرالدین توسط گروه‌های ترور صهیونیستی «هاگانا اشترون» انجام گرفت که در این قتل‌عام‌ها هزاران فلسطینی اعم از مرد و زن و پیر و جوان کشته شدند و صدها هزار نفر از ساکنان بی‌پناه فلسطینی مجبور به رها کردن خانه و کاشانه خود شدند. تنها در کشتار «دیرپاسین» که توسط دو گروه «ایرگون» و «اشترون» انجام شد ۲۵۴ تن از افراد غیرنظامی کشته شدند.

ننگ نکبت بر پیشانی اسرائیل

* رژیم صهیونیستی علی‌رغم گذشت ۶۷ سال از تاسیس خود، هرگز نتوانست خودش را از ننگ جعلی بودن خلاص کند.

سال ۱۳۲۷ تنها یک روز پس از خروج آخرین سرباز انگلیسی از فلسطین تشکیل شد، اما این اقدام زمینه‌های پویدان صهیونیست به فلسطین شدت یاد به گونه‌ای که شمار صهیونیست‌های ساکن در فلسطین به بیش از ۶۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۲۷ رسید، این در حالی بود که تنها ۱۲ درصد از خاک اشغالی فلسطین در تصرف صهیونیست‌ها بود.

از این زمان به بعد با حمایت‌های علنی استعمار انگلیس، خسونت برنامه‌ریزی شده صهیونیسم با هدف فراری دادن فلسطینی‌ها و اسکان صهیونیست‌های مهاجر آغاز شد. جنبش «ژرالدین قسام» و همزمان با خروج کمیسر عالی انگلیس از فلسطین، صهیونیست‌ها به سرکردگی «دوید بن گوریون» موجودیت رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی را با نام «اسرائیل» اعلام کردند و ساعتی بعد از این اقدام آمریکا و شوروی سابق این رژیم را به رسمیت شناختند و آژانس یهود نیز از قطعنامه ۱۸۱سازمان ملل متحد به عنوان سند شناسایی این رژیم نام برد!

* جنگ یمن نه تنها باعث انسجام داخلی در عربستان نشد، بلکه اختلافات میان شاهزادگان سعودی را نیز تشدید کرد.

جنگ‌ها و سیاست‌های شکست خورده قبلی آل سعود و بازگرداندن روحیه سلحشوری مبتنی بر حسن ناسیونالیستی به شهروندان عربستانی اشاره کرد. ج بررسی امکان ادامه جنگ: موارد فوق واقعیات و بعضاً فرضیاتی هستند که طرح معقول، منطقی، یکجا و یکپارچه آنها نمی‌تواند، حاصل اندیشه مغزهای فسیل شده و معیوب متجاوزان و خائنین به اسلام و مسلمین باشد و لذا به یاری خدا همه این موارد در ردیف اهداف ناممکنی است که آل سعود پیبوهه به کسب آن داخلوش کرده‌اند، اهدافی که با استناد به سنت‌ها و وعده‌های الهی مبنی بر پیروزی نهایی حق بر باطل نه تنها محقق نخواهند شد، بلکه با عنایت به دلایل ذیل استمرار این تجاوز آشکار را ناممکن خواهند ساخت.

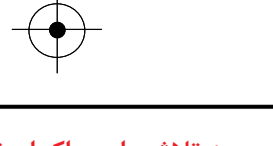
جنگ‌ها و سیاست‌های شکست خورده قبلی آل سعود و بازگرداندن روحیه سلحشوری مبتنی بر حسن ناسیونالیستی به شهروندان عربستانی اشاره کرد. ج بررسی امکان ادامه جنگ: موارد فوق واقعیات و بعضاً فرضیاتی هستند که طرح معقول، منطقی، یکجا و یکپارچه آنها نمی‌تواند، حاصل اندیشه مغزهای فسیل شده و معیوب متجاوزان و خائنین به اسلام و مسلمین باشد و لذا به یاری خدا همه این موارد در ردیف اهداف ناممکنی است که آل سعود پیبوهه به کسب آن داخلوش کرده‌اند، اهدافی که با استناد به سنت‌ها و وعده‌های الهی مبنی بر پیروزی نهایی حق بر باطل نه تنها محقق نخواهند شد، بلکه با عنایت به دلایل ذیل استمرار این تجاوز آشکار را ناممکن خواهند ساخت.

*** جنایات در یمن علاوه بر آشکارسازی خوی ددمنشانه آل سعود، انحطاط دنیای سرمایه‌داری غرب به عنوان حامی اصلی متجاوز را نیز به رخ همه می‌کشد.**

جهان اسلام و مردم اهل سنت کشورهای مختلف نسبت به جنایات و سیاست‌های جاه‌طلبانه آل سعود در یمن ابراز تنفر می‌کنند.

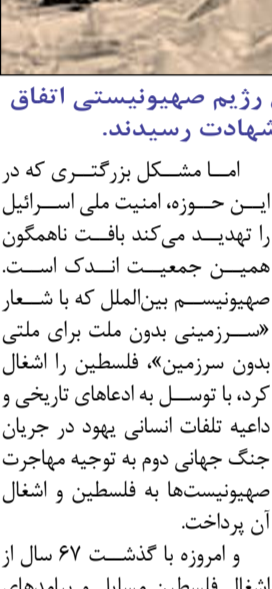
در بیان و اثبات این ادعا قبل از هر چیز باید به نرفت مسلمین جهان اسلام و حتی بسیاری از مسلمانان اهل سنت نسبت به رفتارهای جاه‌طلبانه حکام سعودی و تنفر افکار عمومی جهان از حامیان غربی این حکومت اشاره کرد، تداوم این حملات نه تنها ماهیت دیکتاتورانه حکام آل سعود را برملا و واکنش‌های گسترده جهانی را به دنبال داشته، ناراضی‌ها و عدم همراهی تعداد زیادی از شاهزادگان سعودی و نیز تعداد زیادی از صاحب‌نظران و روشنفکران و بخش عمده‌ای از قشر محروم این کشور با این خواسته نامشروع حکام جدید را نیز به همراه داشته است.

علاوه بر این؛ ناتوانی ارتش شیعیان در یمن و جلوگیری از جنگ تمام عیار نامتقارن چالش دیگری است، که حکام سعودی با آن مواجه هستند، ارتشی که علی‌رغم در اختیار داشتن تسلیحات نسبتا مدرن، از وجود دست‌های متخصص، محرب و با انگیزه بی بهره بوده و اداره آن به شدت مستترم استفاده و به کارگیری نیروهای اجاره‌ای از دشمنان اسلام است و درست به همین دلیل است که



با آن مواجه بوده و استراتژی‌های انتقال جنگ به خارج از اراضی اشغالی و رفتارهای هجومی اسرائیل پس از ۶۷ سال به هیچ روی از بار تهدیدات مذکور نکاسته است، رژیم صهیونیستی در حالی به استقبال شصت و هفتمین سالگرد اشغال فلسطین می‌رود که سیاست‌های غاصبانه این رژیم در تصرف خاک همسایگانش همچنان ادامه داشته و موجب همجواری مداوم این رژیم با بحران شده است.

- تهدیدات ناشی از مسائل جمعیتی: تمرکز جمعیتی در چند شهر خاص و کمی جمعیت نسبت به دشمنان منطقه‌ای عامل دیگری در تزلزل امنیت ملی اسرائیل به شمار می‌رود. نزدیک به ۸۰ درصد ساختار اقتصادی و جمعیتی اسرائیل در سه شهر بیت‌المقدس، حیفا و تل آویو قرار گرفته است که با توجه به حساسیت تلفات انسانی برای این رژیم در صورت تهاجم، ضربه شدیدی به موجودیت اسرائیل وارد خواهد آمد.



*** در جنایت «دیرپاسین» که طی روزهای نخست تشکیل رژیم صهیونیستی اتفاق افتاد ۲۵۴ فلسطینی به دست صهیونیست‌ها به شهادت رسیدند.**

اموا مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد، به همین دلیل، یاقتن هم‌پیمانان و قاتار در منطقه در راس سیاست خارجی این رژیم قرار دارد. اگرچه تحولات اخیر نشان می‌دهد برخی از این کشورهای مرتجع عربی، عملا با صهیونیست‌ها زد و بندهایی دارند.

- تهدیدات ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک: موقعیت جغرافیای سیاسی اراضی اشغالی عامل فقدان عمق استراتژیک قابل قبول برای اسرائیل به عنوان یک

است. سبب‌پذیری استراتژیک مطرح نیست. قلمرو محدود اراضی اشغالی و انزوا و جغرافیایی از دیگر مسائل ژئوپلیتیکی است که اسرائیل همواره

عربستان تا این لحظه فقط به جنگ هوایی بسنده کرده و علی‌رغم نگرانی از نتایج قدرت گرفتن گروه‌های تروریستی و تکفیری و تاثیر آن بر پایه‌های لرزان حکومت خود در آینده، می‌کوشد تا با استفاده ابرازی از آنها، در این جنگ به اهداف خود دست یابد.

مشکلات عبور از مرز مشترک در مناطق بیابانی گسترده در شمال شرق یمن و سکونت و تسلط حوثی‌ها و سایر شیعیان سلحشور یمن که در کوره جنگ‌افروزی‌های متعدد حکومت‌های وقت و رژیم‌های مختلف حکم بر عربستان، آبدیده و مجرب شده‌اند، به این مناطق و سایر مرزهای شمالی یمن، چالش بزرگ دیگری است که رفق آن برای ارتش ناآرام کرد عربستان بسیار سخت و بلکه ناممکن است. انسجام شکل گرفته بین اقوام و قبایل مختلف و بسنج و اراده عمومی مردم انقلابی یمن برای مقابله با تجاوز آل سعود، مشکل دیگری است که حکام آل سعود نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند، چرا که این وحدت و انسجام فراگیر می‌تواند در حال و آینده به شدت برای آنها هزینه‌ساز باشد.

عدم توفیق در کنترل اعتراضات شاهزادگان معزول و مخالف سعودی و ناتوانی در نفوذ موثر بر جریان‌های سیاسی منطقه و نیز حکومت‌های همسوس و شکست‌خورد رهبری بر جهان عرب و در نتیجه عدم همراهی و کناره‌گیری تدریجی کشورهای فراخوان شده به انتلاف و اکتفا کردن آنها به حمایت‌های ظاهری و غیرعملی از یک سو و پیش‌بینی شکست و تاثیر نتایج نامطلوب احتمالی این جنگ بر روند تعاملات بین‌المللی آینده عربستان با سایر کشورها به ویژه کشورهای تحت سیطره از سوی دیگر، تردیدهای فراوانی را در فکر و ذهن حکام آل سعود برای تداوم این جنگ ایجاد نموده و این مشکل دیگری است که می‌تواند مانع از استمرار این فاجعه شود.

مرور نتایج قابل پیش‌بینی: حمله عربستان به یمن همانند تعرض به مال و ناموس فرد حرت‌طلب و بی‌دفاعی است که

با همکاری الوات و قلدرهای محله دست و پای او و خانواده‌اش را کاملا بسته باشند و با چوب و چماق به جان وی و خانواده‌اش افتاده و جسم و جان و اموال و دارایی‌های او را نابود نمایند. بدیهی است

در چنین شرایطی هر ابله بی‌دست و پای خواهد توانست در این تعرض مشارکت و حتی رهبری آن را برعهده بگیرد، اما بدیهی است

که عرض اندام در چنین حرکت ناجوانمردانه‌ای نه تنها قدرتمندی تلقی نخواهد شد، بلکه مشارکت در جنایتی است که کینه‌ها نسبت

به افراد معارض را مضاعف و نفرت‌ها را تعمیق خواهد نمود.

بنابراین اولین نتیجه تداوم این جنگ برای عربستان می‌تواند، افشا و اثبات بیش از پیش ماهیت سرسپردگی و همراهی این کشور با دشمنان قسم‌خورده اسلام و بشریت و فراگیر شدن افکار ضد آل سعود در ممالک اسلامی و سایر کشورهای جهان و در نتیجه انزواي کامل این رژیم باشد و شرایط برای امکان حکام جدید آل سعود به عنوان جانیپنکار جنگی را فراهم سازد و تسریع نماید.

تحلیل ژنیتیک‌های سنگین ناشی از به‌کارگیری نیروهای اجاره‌ای

صفحه ۸

پنج‌شنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۴

۲۵ رجب ۱۴۳۶ - شماره ۵۹-۲۱

جمعیت صهیونیستی است خود به‌عامل تهدیدایمیز جدیدی تبدیل شده که راهبردهای کابینه‌های پیشین برای مواجهه با آن تاکنون بی‌نتیجه بوده است. شورش یهودیان اتیوپیایی‌تبار طی روزهای گذشته، کشاند، یکی از پیامدهای این باخت ناممکن است که به نظر نمی‌رسد. به این زودی‌ها از آن خلاصی یابند.

پایان عمر متراکم
به اعتقاد تحلیل‌گران امور سیاسی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران را باید سرآغاز افول دولت جعلی اسرائیل و آشفتن شدن رویاهای صهیونیسم دانست، چراکه این انقلاب ضمن درهم پیچیدن طوطا طرح‌ها و مذاکرات سازشکارانه، استراتژی جدیدی در نحوه مبارزه مردم فلسطین و جهان اسلام با سلطه‌گران جهانی ارائه کرد و آن سلاح «شهادت‌طلبی» است که «شارون» این رژیم در صورت تهاجم، ضربه شدیدی به موجودیت اسرائیل وارد خواهد آمد.

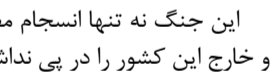
ایدئولوژی دستگاه حاکم ایران است، که در صحنه فلسطین ظهور یافته و ما را در چگونگی جذب این نیروها و اجرای عملیات‌های آن، سردرگم و پریشان ساخته است.»

در تأیید سخنان شارون، «فرامی‌سینه» از اعضای برجسته حزب لیکود، که در کنایه تحت عنوان «پنده اسرائیل» می‌گوید: «بزرگ‌ترین چالش دولت اسرائیل، حکومت اسلامی ایران است. تهدیدات غیرقابل تصور جمهوری اسلامی ایران، حیات دولت یهود را به مخاطره افکنده و نفوذ ایدئولوژیک این حکومت در جنبش‌های افراطی منطقه، همراه با توانمندی‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران، دولت اسرائیل را که از کمبود جمعیت و فقدان عمق استراتژیک رنج می‌برد، با چالش‌های جدی و ساختارشکن مواجه ساخته

است. امروز برای راهپاییم رسانه‌ای که می‌کوشد از جامعه صهیونیستی یک «کل» غیرقابل گسست و رژیم صهیونیستی یک «قدرت» همشده برتر» و تصویری واضح و فراموش‌نشده ارائه دهد، واقعیت آن است حیات رژیم‌سی که هم‌زاد «نازپرستی»، «توروسم دولتی»، «ژاپن‌کشی»، «ساخت و کارگری» سلاح‌های مرگبار و کشتار جمعی، «غض حقوق بشر»، «کشتار غیرنظامیان» و «شماره‌نگاری» است، سخت به خطر افتاده و شمارش معکوس برای فروپاشی و اضحلال آن مت‌رک بدون آغاز شده است. **منابع:** فاروس، ابانگ، **باشگاه اندیشه** و خبرگزاری **قدس**

*** سران ریاض در تجاوز به یمن، به قدری احساس دلگرمی و حمایت از جانب غرب می‌کنند که آشکارا از انضمام دو استان یمن به خاک خود حرف می‌زنند.**

*** ارتش عربستان علی‌رغم مسلح بودن به سلاح‌های مدرن، از جنگ زمینی با مردم یمن به شدت هراس دارد.**



استفاده از تجهیزات و مهمات گرانقیمت و به خصوص اعطای رشوه‌های کلان برای جلب و حفظ حمایت کشورهای غربی و سایر کشورهای هم‌پیمان، ضربات سنگینی به اقتصاد وابسته این کشور وارد نموده و بی‌شک افشای آن نیز گسترش ناراضیاتی‌های عمومی در داخل این کشور را به دنبال خواهد داشت.

این جنگ نه تنها انسجام مطلوب مورد نظر عربستان در داخل و خارج این کشور را در پی نداشت، بلکه باعث تشدید اختلاف نظر بین شاهزادگان سعودی گردیده و وحدت مردم و قبایل مختلف یمن غیرمنتظره، باعث ایجاد و تقویت وحدت مردم در یک متخلف بین بر ضد آل سعود شده و اجماع افکار عمومی جهان علیه رفتار‌های غیرمنطقی حکام عربستان را نیز تقویت کرده است.

دست‌آورد نامطلوب دیگر حاصل از این منازعه، تجهیز و توسعه گروه‌های تکفیری مانند داعش است، در حالی که این اقدام با توجه به‌عملکرد افراط‌گرایانه و افکار بلندپروانه‌ای این گروه‌های مترجع و جانیپنکار برای ایجاد حکومت فراگیر با نام اسلام، قبل از هر کشوری می‌تواند منافع حکام آل سعود و امکان استمرار حکومت آنها را در معرض خطر قرار داده و به شدت پایه‌های این حکومت را متزلزل سازد. عدم همراهی کشورهای فراخوان شده برای اعتداف و شکست حتمی و قطعی عربستان در این نبرد نابرابر، دست‌آورد نامطلوب دیگری را برای عربستان رقم زده و اندک اعتبار باقی مانده این رژیم را نیز به تاراج خواهد بود.

اگرچه به ظاهر غرب و در راس آنها آمریکا به حمایت از تجاوز ناجوانمردانه عربستان ناچارند، اما حکام این کشور نباید فراموش کنند که کشورهای غربی و به ویژه آمریکا مدت‌هاست که به دلایل مختلف از جمله ورشکستگی اقتصادی، مشکلات مختلف فرهنگی و اخلاقی در درون جامعه خود، خستگی و ناتوانی ناشی از جنگ‌افروزی‌های متعده در نقاط مختلف جهان، نفرت افکار عمومی

جهان از نظام سرمایه‌داری و انزواي سیاسی مسئولین آنها، نمی‌توانند وارد جنگ جدیدی شوند و لذا با حمایت از این منازعه قصد داشته‌اند تا با قربانی کردن آل سعود، از موقعیت عربستان در جهت تأمین منافع خود بهره ببرند.

به این ترتیب با اطمینان می‌توان اظهار داشت که تنها دست‌آورد این جنگ برای عربستان، اثبات سرسپردگی برای خدمت به بیگانگان و کمک به کسب اهداف دشمنان قسم خورده اسلام ناب محمدی(ص) بوده است، ختمی که همانند: منازعات تحمیلی به لبنان، لیبی، افغانستان، سوریه، عراق و حتی کشورهای اسلامی، نابودی زیرساخت‌ها و سایر منابع و امکانات حیاتی بخش دیگری از جهان اسلام در جهت تضعیف مسلمین و حفظ منافع نظام سرمایه‌داری و نیز منافع شخصی خاندان آل سعود را در پی داشته و در نتیجه به رسوایی و بی‌ابروسی ظالمین در نزد افکار عمومی جهان و تسریع در سقوط عاملان و حاکمان آن منجر خواهد شد.

احمدرضا هدایتی